



عجب خوشبختی
ای نصیبمون
کردید! میگفتید شتر
قربونی میکردیم!!

چرا، هرگز
فکرش رو نمیکردیم
که اندور بزرگ، مردی
که طبق گفته بقیه قهرمان
شماره یک بعدی قرار
هست باشه، به خونه
ما بیاد!



خانواده هیمورا
زمانی خانواده ای شفاف
قلم داد میشد، که گذشته
پر فراز و نشیبی
داره...



خودش هم
خیلی شبیه
یغ بود

پس...
فقط قهرمان سطح
بالایی مثل شما میتونه
یک زن هیمورا رو به
عنوان عروسش
انتخاب کنه...

ویراستار و مدیر

کلینر

Sakasea A12ms

تایپیست

Sugar

مترجم

Steph





خوب؟
نه نیستم



تو واقعاً...
حالت
خوبه؟



ری...!

TMP

MY HERO
ACADEMIA



به خاطر
همینه که
اینجام



فودش از همون اول
میدونست که این ازدواج
از اساس یه ازدواج
کوسه ای هست. ولی
گفت به فاطر خانواده اش
ماضه انجامش بده



بله



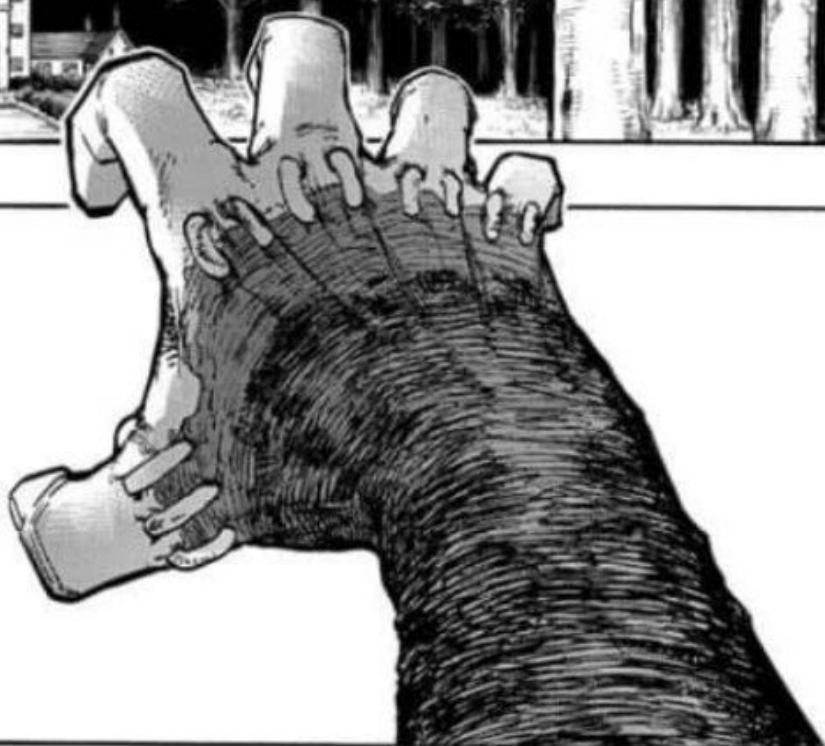
قوی... ولی
مساس که با
کوچیک ترین
لمسی آب
میشدی..

خیلی
قشنگن



از اون گلا
خوشت
میاد؟

...



چقدر
سو ختم...



میدونم پاپای
عزیز پیرم
نمرده، ازین
چیزا محکم
تیره
علاوه بر
اون حتی اگرم
خودش بخواد
فاتحه اش رو بخونه
من بهش اجازه
نمیدم



البته چیزی
هم حس
نمیکنم



تازه مچپوره
یه چور سخترانی
علنی دست
و پا کنه



دل تو دلم
نیست اون
قیافه ناراحت
پیریختشو
بینم

چیزی که
اینهمه مدت
منتظرش
بودم...

خیلی طول
کشید تا به
اینجا رسیدم



انجی
تو دور و کی

مامان

فویومی

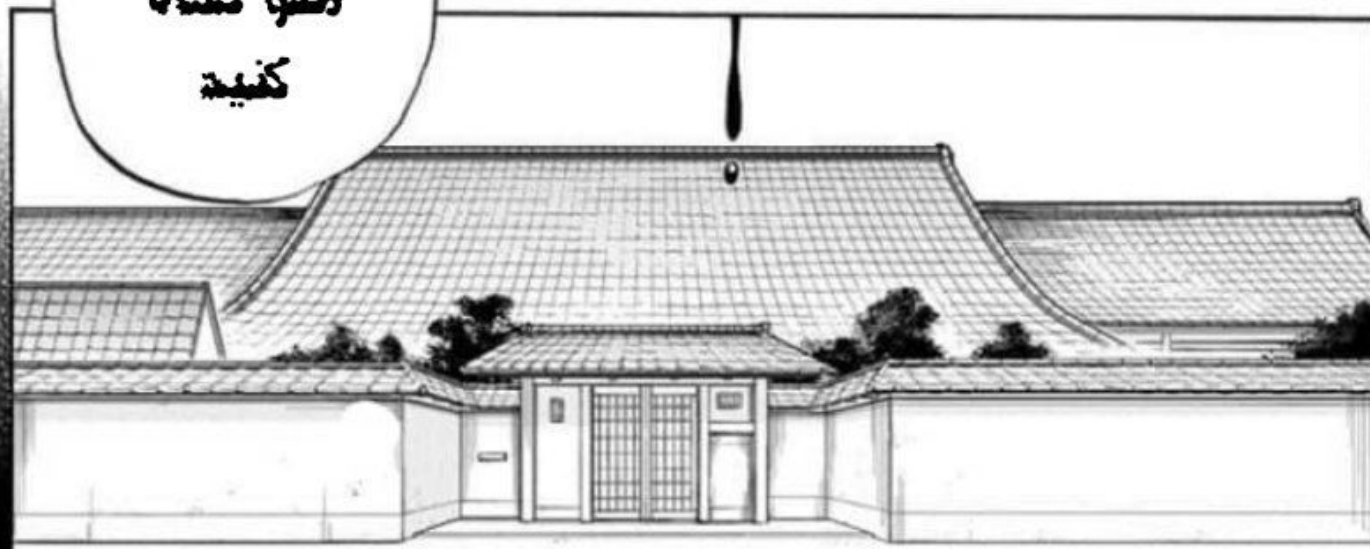
ناتسو

و شوتو



توی
اعماق
جنتنم...

...خوب
منو نگاه
کنید



اینهمه صبر کردم
که یه روز مریضی
داشته باشی و بتونیم
بلهه تمرین
کنیم!!

چرا الان میگی
نمیتونی انجامش
بدی!؟



...به خاطر
خودته

همونطور
که قبلا هم
گفتم...



پسرتون یه
کوسه قوی تر از
کوسه های آتشین
معمول به ارث
برده...

یعنی...جوری
ساخته نشده که
بتونه آتش رو تحمل
کنه،عوضش تحمل
سرماش خوبه

...ولی
جسمش از
لحاظ فیزیکی
به مادرش
رفته

الحق یه
کیس غیر
معمول هست





...توی جامعه
کوسه ای ما یه
جرم بزرگ محسوب
میشه، پس نمیتونیم
بهتون مشاوره
بدیم...

باید بگم... دست
بردن توی ژنتیک
برای ساخت بچه ای
که میخواید...



تو میتونی
از آلمایت
قوی تر
شی... تو یا



آره، اون یه
جورمی تونست
امروز ۶۲ تا شهر
و روستای مختلف
رو نجات
بده!!

تا وقتی
آلمایتو داریم از
بابت خلافاکارها
غمی نداریم!!



گوش کن
فویومی



من بدنمو
بهتر از هر
کس دیگه ای
میشناسم

آره من یکم
سوختم ولی خب
که چی؟! میتونم
تحملش کنم!!

من فقط
نگرانتم!!

تو اصلا پی
میرونی؟ یه
دختر هیپووقت
نمیفهمه!!



منم
دوست ندارم
بینم آسیب
میبینی...

ولی...
تویا...



بابا خودش
اون کسی نیست
که این آتیش تووم
روشن کرد!!

من دیگه
انتخابم رو کردم
تووم شده رفته،
میخواهم از اون یارو
بهتر بشم!!



نه...

مخصوصاً وقتی
تویا میدونه
میخواه از طریق
بچه ها چی به
دست بیاری!!

این خیلی
زیاده!! این
ظالمانس!!



هر روز...
یه زخم جدید
رو بدنش
میوفته...

مهم نیست
چی بهش
میگم...



این تنها
راهیه که ممکنه
تسلیم بشه...

اون
کله شق و یه
دنده بودن رو
از من به ارث
برده...!



تویا...
نمیتونه آلمایت
رو پشت سر
بزاره...









همه بات
رو سوننگی
پوشونده...

...و هنوزم
گوش به حرف
نمیدی؟ پرا؟!

تمومش
کن! پرا متوجه
نمیشی؟!

تویا! تو باید..
ازین چیزا
خارج شی

یه دنیای دیگه
هم به جز این
قهرمان بازیا
هست... میدونم
که متوجه
میشی!!

برو با ناتسو
و فویومی بازی
کن!! تو مدرسه
دوست پیدا کن!!



ولی همه
بچه های دیگه
تو مدرسه میگن
میخوان قهرمان
باشن...

...امکان
نداره تو اینو
درک کنی...!

بعدش
همه اینا
یادت
میره...!



چون

منی پیچیدگی

تو!!





باید
آرومش
کنیم...!

تو این
آتش رو درونم
روشن کردی..
که خاموش شدنی
هم نیست!!

نمیتونم از
سرم ببرمش
بیرون!!



منو



بین!!



منو
بین..

اندور!!

نمیتونی
ادعا کنی که
شرایطت از
همه بدتره

و توهم
تنها کسی نیستی
که بهش توجه
نکرد

